

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: یازدهم - بهار ۱۳۹۱

از صفحه ۷۷ تا ۱۰۲

بررسی موضوعات تعلیمی و غنایی لالایی‌های استان بوشهر*

منیژه پورنعمت رودسری^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه خلیج فارس - بوشهر

چکیده:

در رویکرد مطالعات فرهنگی، پژوهشگر تحقیقات خود را به آثار مشهور و معتبر محدود نمی‌کند، بلکه ادبیات عامه پسند را نیز معرف فرهنگ جامعه می‌داند. با توجه به این که لالایی‌ها جزو ادبیات شفاهی و عامیانه محسوب می‌شوند و در حوزه‌ی مردم شناسی باید به شناخت بیشتر مردم مناطق مختلف دست یافت، باید دید که لالایی‌ها تا چه حد اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه را فرا می‌نماید. به دلیل این که مادر اولین کارگزار اجتماعی شدن کودک در تعلیم مفاهیم دینی، فرهنگی و اجتماعی است و همچنین در لالایی‌ها احساسات خود را نیز بیان می‌کند، بررسی لالایی‌ها می‌تواند در حوزه‌ی پژوهش‌های ادبیات تعلیمی و غنایی مورد توجه باشد. این بررسی بر آن است تا نشان دهد که برخی از لالایی‌ها بیانگر آرزوهای مادران و نشانگر هویت مذهبی مردم است. لالایی‌ها همچنین دل‌نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی مردم، ساختار خانواده‌ها از قبیل ارتباط عاطفی و چند همسری را نیز نشان می‌دهد. با توجه به این که تاکنون تحقیقات انجام شده در مورد لالایی‌های استان بوشهر بیشتر جمع‌آوری بوده و کمتر تحلیل محتوایی شده است، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد تا از طریق تحلیل محتوای لالایی به عنوان نوعی ادبیات عامیانه، غنایی و تعلیمی، با دیدگاه‌های فرهنگی، اقتصادی، دینی و مذهبی مردم استان بوشهر به ویژه مادران و زنان این منطقه آشنا شویم.

واژه‌های کلیدی: لالایی، ادبیات عامیانه، تعلیمی، غنایی، مطالعات فرهنگی

* - این مقاله، حاصل اجرای طرح پژوهشی «بررسی لالایی‌های استان بوشهر» می‌باشد که با حمایت مالی شورای پژوهشی دانشگاه خلیج فارس انجام شده است.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

پست الکترونیکی: poornemat@pgu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله:

ادبیات از جهت موضوعی قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد و با دانش‌های متعددی در ارتباط است. «از این رو مطالعات ادبی در طول تاریخ، همیشه با مباحث و گفتمان‌های دیگر رشته‌ها در ارتباط بوده است». (رهادوست، ۱۳۸۲: ۱۹۷) مطالعات فرهنگی در مفهوم گسترده آن درک کارکرد فرهنگ است. این رویکرد بین رشته‌ای از تعامل رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، زبان‌شناسی، فلسفه، ادبیات، نقد متون و ... پدید آمده است.

«در رویکرد مطالعه‌ی فرهنگی، پژوهشگر حوزه‌ی تحقیقات خود را به آثار مشهور و معتبر محدود ند، بلکه ادبیات عامه پسند را نیز معرف فرهنگ جامعه و در خور نقد می‌داند». (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۹۲) با توجه به این که لالایی‌ها جزو ادبیات شفاهی و عامیانه محسوب می‌شوند و در حوزه‌ی مردم‌شناسی باید به شناخت بیشتر مردم مناطق مختلف دست یافت، باید دید که لالایی‌ها تا چه حد اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه را فرا می‌نماید.

«هر گونه دقت به سنت و افق دلالت‌های معنایی گذشته، ناگزیر بحثی امروزی است. به گفته‌ی هانس گئورگ کادامر، ما در مکالمه با فرهنگ گذشته، آن فرهنگ را به زمان حاضر منتقل و به اصطلاح، امروزی می‌کنیم». (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۳)

بنابراین انسان روشنگر امروز چاره‌ای جز این ندارد که جایگاهش را در زندگی اجتماعی باز شناسد. از این رو نقش لالایی‌ها در انعکاس و تقویت هویت ملی و دینی پررنگ و عمیق است. «فرهنگ را می‌توان به مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد. هر جامعه‌ای فرهنگی دارد که از نسلی به نسل بعد منتقل شده است. یکی از ویژگی‌های خاص انسان توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین وجه است». (کوئن، ۱۳۷۲: ۵۹)

«کم توجهی پژوهشگران به ادبیات عامیانه و از آن جمله لالایی‌ها، این گونه‌ی ادبی را در میدان تحقیقات به حاشیه رانده است و بیم آن می‌رود که در شرایط تازه‌ی جامعه

این آثار، آرام آرام به فراموشی برونند». (حسن لی، ۱۳۸۲: ۶۲) از این رو این پژوهش ضرورت توجه به ادبیات عامیانه به ویژه لالایی‌ها را یادآور می‌شود. از آن جا که یادداشت و یادآوری چند لالایی به تنهایی معرف یک جامعه نیست، پژوهشگر باید بنگرد که این لالایی‌ها تا چه اندازه گفته‌ها و ناگفته‌های فرهنگ یک جامعه را باز می‌تاباند. برخی از لالایی‌ها بیانگر آرزوهای مادران است. مضامین مذهبی در لالایی‌های استان وجود دارد و نشانگر هویت مذهبی مردم است. لالایی‌ها دل نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی و ساختار خانواده از قبیل چند همسری، درون همسری و... را نشان می‌دهد.

با توجه به این که تاکنون تحقیقات انجام شده در مورد لالایی‌های استان بوشهر بیشتر جمع آوری بوده و کمتر تحلیل محتوایی شده است، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد تا از طریق تحلیل محتوای لالایی‌ها با دیدگاه‌های فرهنگی، اقتصادی، هویت مذهبی و... مردم استان بوشهر به ویژه مادران و زنان این منطقه آشنا شویم. زیرا لالایی‌ها که سینه به سینه و دهان به دهان از نسل‌های پیشین تا به امروز به ما رسیده، نوعی ادبیات زنانه نیز محسوب می‌شود. هرچند مادران جوان امروزی کمتر از این لالایی‌ها بهره می‌برند، در تحلیل مضمون لالایی‌ها می‌توان به دیدگاه خانواده از نظر جامعه‌شناسی پی برد و این که تا چه حد لالایی‌ها می‌تواند حلقه‌ی اتصال بین دو نسل، یعنی مادر و کودک باشد و وظیفه‌ی انتقال فرهنگ خانواده را به عهده گیرد. «از آن جا که لالایی‌ها از یک سو در حوزه‌ی ادبیات عامیانه جریان دارند و از سویی دیگر در حوزه‌ی ادبیات کودکان، شایسته‌ی درنگ و قابل بررسی‌اند» (حسن لی، ۱۳۸۲: ۶۲) و همچنین به دلیل این که مادر اولین کارگزار اجتماعی شدن کودک در تعلیم مفاهیم دینی، فرهنگی و اجتماعی است و در لالایی‌ها احساسات خود را نیز بیان می‌کند، بررسی لالایی‌ها می‌تواند در حوزه‌ی پژوهش‌های ادبیات تعلیمی و غنایی مورد توجه باشد.

پیشینه‌ی تحقیق:

در سال‌های اخیر لالایی‌های بسیاری از گوشه و کنار ایران جمع آوری شده است. از جمله می‌توان به کتاب «لالایی‌های ایران» از سید ابراهیم عمرانی اشاره کرد. او ابتدا به فرهنگ و ادبیات عامه می‌پردازد. پس از بررسی ترانه‌های عامیانه فارسی و فهلویات، لالایی‌های کرمان، خراسان، فارس، مازندران، آذربایجان را ذکر می‌کند. برتری این کتاب بر دیگر آثاری که فقط به جمع آوری لالایی‌ها پرداخته‌اند، این است که پژوهشگر لالایی‌ها را بررسی محتوایی نیز کرده است. هرچند عمرانی لالایی‌های بوشهر را نیاورده است، اما نگارنده در بررسی لالایی‌های استان بوشهر از روش بررسی لالایی‌ها در این کتاب بسیار بهره برده است. (عمرانی، ۱۳۸۱)

پژوهش دیگر در این زمینه، کتاب «فرهنگ مردم (فولکلور ایران)»، از سید علی میر نیا است. او بخش دهم کتاب را به لالایی‌ها اختصاص داده و لالایی‌های خراسانی، قاین، شیراز، گلپایگان، گیلکی، درگزی، آذربایجانی، کرمانی، کردی، ترکمنی، رودبستی، اهلی و جیرفت را آورده است. از لالایی‌های استان بوشهر اطلاعاتی نداده است. البته تعدادی از لالایی‌های بوشهر با لالایی‌های شیراز مشترک است. (میرنیا، ۱۳۶۹: ۴۷۵-۴۸۹)

مقاله‌ی «لالایی‌های مخملین»، پژوهش ارزنده‌ی دیگری است که نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی شده است. حسن‌لی در این مقاله پس از این که ویژگی‌های کلی لالایی‌ها را بررسی کرده، مضمون برخی از لالایی‌های ایرانی را آورده است. از آن جمله: آرزوها و آرمان‌های مادرانه، دعا و نیایش برای سلامت کودک، در سفر بودن پدر، بازتاب اجتماع و فرهنگ مناطق و... (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۶۱-۷۹) این مقاله و مضامین یافته شده در آن، نگارنده را در یافتن مضامین لالایی‌های استان بوشهر بسیار یاری داده است.

آثاری که در آنها به ویژه به لالایی‌های استان بوشهر پرداخته شده است: پورنعمت در مقاله لالایی‌های استان بوشهر تعدادی لالایی از منطقه‌های دشتستان، دشتی، جم و گناوه را آورده است که پژوهش حاضر به لالایی‌های مناطق دیگر استان و همچنین بررسی و تحلیل موضوعی نیز می‌پردازد. (پورنعمت، ۱۳۷۹: ۷۲-۷۵)

عبدالله رضایی در کتاب «ادبیات عامیانه بوشهر» سی لالایی از کل استان بوشهر را جمع آوردی کرده که برخی از آن‌ها در مقاله لالایی در استان بوشهر ذکر شده بود. شماره های ۱۲ تا ۱۸ آن لالایی نیست بلکه نازآوا است. از آن جا که محقق محترم قصد بررسی لالایی‌ها و تفکیک آن‌ها را نداشته است، نازآواهای فوق را هم در بین لالایی‌ها آورده است. (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۸۸-۲۰۹) هرچند نگارنده در مقاله‌ی لالایی در استان بوشهر همان ناز آواها را جزو لالایی‌های دشتستان ذکر کرده بود (پورنعمت، ۱۳۷۹: ۷۳)، اکنون با دقت در بیان و محتوای آنها به نظر می‌رسد که بیشتر نازآوا باشند تا لالایی که مادر با توجه به جنسیت، برای ناز و نوازش فرزند خود زمزمه می‌کند. مگر این که آن‌ها را نیز نوعی لالایی بتوان دانست که با رویکرد جنسیتی کودک خوانده می‌شده است.

انصاری فصل دوم پایان‌نامه خود را به اشعار عامیانه قدیم اختصاص داده و در صفحات ۴۹-۵۶ تعداد بیست و شش لالایی از منطقه دشتستان را ذکر کرده است. (انصاری، ۱۳۸۵)

احمدی ریشه‌ری در جلد دوم کتاب سنگستان، فقط چهار صفحه به لالایی‌های بوشهر اختصاص داده است. نویسنده در این مجموعه اندک سعی کرده مضمون و محور لالایی‌ها را تا حدی مشخص کند و از جمله به مضامین دینی و مذهبی، امید بزرگ شدن فرزند، دعا و زاری اشاره کرده است. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۰: ۴۴۸-۴۵۲)

زننده بودی در کتاب «فرهنگ و گویش تنگسیری» لالایی‌های تنگسیر را آورده است. او نیز تحلیل و دسته‌بندی از آنها به دست نداده ولی لالایی‌ها را آوانگاری کرده و لغات دشوار را معنی کرده است (زننده بودی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۹).

علی زارعی، انسیه ابطحی و بهرام بهنام نیا، گردآورندگان لالایی‌های بومی مادران استان بوشهر هستند که کتاب لالایی‌ها را ویژه‌ی فراگیران نهضت سوادآموزی به چاپ رسانده‌اند. این کتاب بیست و شش صفحه‌ای برگرفته از کتاب ادبیات عامیانه-ی عبدالله رضایی است. این کتاب نیز فقط تعدادی از لالایی‌های استان بوشهر را آورده است و هیچ‌گونه دسته‌بندی، بررسی و تحلیلی از لالایی‌ها به دست نداده است. از

مزایای این کتاب تصویرگری شاد آن است که می‌تواند مورد استفاده‌ی کودکان و
احیاناً سوادآموزان باشد. (زارعی و دیگران، ۱۳۸۴)

لالایی‌های بوشهری، عنوان کتاب دیگری است که زهرا ندیمی بوشهری در سی و دو
صفحه در قطع جیبی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسانده است. او در این مجموعه پاره‌ای از
لالایی‌ها و نوازش‌های (هپله) محلی منطقه‌ی بوشهر را جمع‌آوری کرده است. ندیمی هیچ
گونه تحلیل و دسته‌بندی از لالایی‌ها ارائه نداده ولی برخی واژگان محلی را معنی کرده
است که می‌تواند راهگشای پژوهشگران دیگر باشد. (ندیمی بوشهری، ۱۳۸۹)

جامعه‌آماری این تحقیق لالایی‌هایی است که از منابع مکتوب و بیش‌تر از منابع
شفاهی جمع‌آوری شده است. ممکن است لالایی‌هایی از قلم دور مانده باشد، اما تعداد
مورد مطالعه چندان هست که بتوان بر اساس آن در مورد تأثیر لالایی‌های استان در
شناخت فرهنگ مردم منطقه اظهار نظر کرد.

لالایی‌های بررسی شده از شهرستان‌های نه گانه استان بوشهر ۶۱۲ لالایی بوده است.::
شهرستان دیر ۱۳۶ لالایی (بندر دیر ۶۵، بردخون ۲۹، دوراهک ۴۲)، شهرستان
دشتی ۱۷۶ لالایی (خورموج ۵۲، کاکلی ۲۴)، شهرستان دشتستان ۱۵۱ لالایی (دشتستان ۷۲،
آب‌پخش ۳۹، تنگ ارم ۲۶، بوشکان ۱۴)، شهرستان گناوه ۹۳ (گناوه ۴۳، بندرریگ ۵۰)،
جزیره خارک ۲۶ لالایی، دیلم ۲۳، تنگستان ۵۱ لالایی، جم ۱۷ لالایی، کنگان ۳۹ لالایی
روش پژوهش: ابتدا سندگزینی کرده، منابع مختلف مکتوب و شفاهی در مورد
لالایی‌های استان بوشهر جمع‌آوری شد. صدای برخی لالایی‌ها ضبط شده و سپس از
روی نوار یادداشت برداری گردید. ابتدا لالایی‌ها به تفکیک مکان جغرافیایی آن‌ها دسته
بندی گردید. لالایی‌ها از جهت مضمون‌های مختلف دینی و مذهبی، اجتماعی،
اقتصادی و حالات روانی مادر بررسی شد.

۱- تعلیم مضامین مذهبی و دینی:

در لالایی‌های استان بوشهر مضامین مذهبی بیشترین نمود را دارد و نشانگر هویت
دینی و مذهبی آنان است. توکل به خدا، شکر و قدر دانی از نعمت‌های خداوند، بیان

اهمیت نماز و روزه در بیشتر لالایی‌های استان بوشهر دیده می‌شود. تعلیم مفاهیم دینی و مذهبی مادر گاهی به صورت بیان عشق و علاقه شدید به پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) و امامان شیعه، به ویژه امیرالمؤمنین(ع)، امام حسین(ع)، حضرت فاطمه(س) و حضرت معصومه(س) است؛ گاهی نیز در قالب دعا این علایق مذهبی نشان داده می‌شود. برخی دعاها در حق خود مادر است. مادر در لالایی‌ها از امیرالمؤمنین درخواست می‌کند که درد او را درمان کند، زیارت کربلا نصیصش شود، تنش قربان شاه کربلا(امام حسین) شود و در برخی نیز دعاها در حق فرزند است: فرزند کنیز یا غلام حضرت فاطمه(س) و معصومه(س) شود یا قرآن خوان قابلی گردد. از آنجا ذکر همه‌ی نمونه‌ها در این مقاله ممکن نبود، به ذکر نمونه‌های زیر بسنده گردید.

۱-۱- در مورد صفات خداوند و ستایش او:

۱- اول نام خوش الله گویم / دوم نام رسول الله گویم
سوم صلوات بر روی محمد / که چهارم حیدر کرار گویم
این لالایی با تفاوت اندک در شهرستان‌های دشتستان، دیر، تنگستان و بندرریگ وجود دارد.

۲- اگر الله یارن هیچ غم نی / اگر دشمن هزارن هیچ غم نی
اگر شمشیر بر فرقم بیاره همچون بارون / اگر پروردگاران هیچ غم نی
این لالایی نیز با تفاوت‌های اندک در لالایی‌های دیر، دوراهک، بردخون، دشتستان، خورموج، کنگان و بندر ریگ آمده است.

۳- خداوندا که زنبور آفریدی / بهشت و جنت و نور آفریدی
بهشت و جنت و نور الهی / به چوب خشک انگور آفریدی(جزیره خارک)
۴- مولالات می کنم الله کریمن / سر سینه رودم بسم الله الرحمن الرحیم(دیر)
۵- خداوندا تو ستاری / همه خوابند تو بیداری
به حق خواب و بیداری / عزیزم را نگهداری(بندر ریگ)(دیر)

۲-۱- اهمیت نماز و روزه:

۱- لالالالا گل هرروزه‌ی مو / قضا کردی نماز و روزه‌ی مو / دی بچم لالالالا (دیر)

۲- سرت گردهم عزیزم سرفرازی / لبت بوسم که دائم در نمازی (دیلم)

۳-۱- مضامین مذهبی لالایی‌ها در مورد پیامبر و ائمه:

در مورد حضرت محمد(ص):

۱- دی محمد خوش گلن گل آفریدن / دی بهشت جنت نور آفریدن

دی بهشت جنت نور الاهی / ز چوب خشک انگور آفریدن(دیر)(کاکلی)

۲- ستاره آسمون هیکل کنم خُم / دو دستم گردن حیدر کنم خُم

بیوسم گنبد شاه نجف را / سلام با قبر پیغمبر کنم خُم(دیر)

۳- محمد نقش میندازه هوا را / به دست داره قلمدون طلا را

به فردای قیامت روز محشر / شفاعت می کند شاه و گدا را(دوراهک)

۴- محمد سرور دنیا و دینه / محمد خاص رب العالمینه

محمد از خلائق جمله بهتر / چراغ آسمان، نور زمینه(بندرریگ)

۵- محمد خیمه بر روی زمین زد / علی شیر خدا شمشیر دین زد

برای قوت دین محمد / براق از جنت آورد و به زین زد(دشتستان)

۶- سر بند امیر و گوشه‌ی پل / قدمگاه علی با سُم دلدل

عرق از سینه پاک محمد / چکیده بر زمین پیدا شده گل(دیلم) (دیر) (دشتستان)

این لالایی از استان بوشهر با استان فارس مشترک است. عمرانی در مورد مکان بند

امیر می‌نویسد: «بند امیر در زمان عضدالدوله دیلمی (۳۳۷ تا ۳۷۳ ه.ق) برای آبیاری اراضی

کربال ساخته است». (عمرانی، ۱۳۸۱: ص ۹۱)

بجز این لالایی که به مکان خاص جغرافیایی بند امیر اشاره شده است، در لالایی

دیگری نیز به مکان خاص دیگری به نام باغ ملا اشاره شده است. «باغ ملا یکی از

محلات قدیمی واقع در جنوب بوشهر و نرسیده به بهمنی بود که اکنون در محدوده

پایگاه هوایی قرار گرفته و با خاک یکسان شده است» (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۰: ص ۴۵۰).

- لالا بکن لالا بکن جون دل مو / شمال باغ ملّا منزل مو
شمال باغ ملّا نخلسونن / که عمر آدمی آب روونن (دشتستان)
در مورد امیرالمؤمنین، علی(ع) و درخواست از او:
- ۱- سر کوه بلند فریاد کردم / امیرالمؤمنین را یاد کردم
امیرالمؤمنین دردم دوا کن / نصیب و قسمتم در کربلا کن (کنگان)(گناوه)(بندر ریگ)
- ۲- علی دیدم علی در خواب دیدم / علی در مسجد محراب دیدم
علی دیدم سوار دلدش بی / چو قنبر با رکابش می دويدم
(دیر) (خورموج) (دشتستان)
- ۳- علی در مکه بود می رفت مدینه / علی در دل ندارد بغض و کینه
جوان مردان سر راه محمد / همه دست ادب دارند به سینه (بردخون)
- ۴- زمستان و بهار آمد خوش آمد / علی با ذوالفقار آمد خوش آمد (کنگان)
- ۵- علی برگ گله گوهر گرفته / ستون از قلعه خیبر گرفته
علی که می کنه کافر مسلمون / نگین از دست پیغمبر گرفته (دوراهک)
- ۶- علی دیدم چارماهه در گهواره / بدیدم ازدهایی در کناره
علی دست مبارک بر کشیده / دهان ازدها از هم دریده (خورموج)
امام حسین(ع) و یارانش:
- ۱- بنالینا که این آرام جانن / بنالینا رفیق مهربانن
بنالینا حسن مرد و حسین مرد / بنالینا که شاه عالمین مرد
بنالینا که زینب خوار گشتن / اسیر کوچه و بازار گشتن (دیر)
- ۲- شاه مظلوم مو قربون زمینت / مو قربان دل هر دم غمینت رودم لالا
علی اکبر به پیشت سر بریدن / به روی شام بردن امام زین العابدینت رودم
لالا(بردخون)
- ۳- لالا گل ریزه / بابام رفته به مدینه / سر قبر سکینه
سکینه نور عینه / دختر امام حسین(ع) (بردخون)

- ۴- چه مولایی که میدان بلا رفت / زمین کربلا ماتم سرا رفت
زمین کربلا چه شور شینه / زمین کربلا دفن حسینه (کاکا)
- ۵- حسین فرمود که خیمه‌ها بار کنید / هفتاد و دو تن شهدا از خواب بیدار کنید
زهار زهار بانگ سکینه نزنید / رحمی زدل عابد بیمار کنید (جم)
- ۶- حسین پا در رکاب ذوالجناح زد / دوم خیمه‌ش به دشت کربلا زد
سیم پرسید از احوال اسیرون / که چارم سر به طیفون بلا زد / دی لالا دی
لالا (تنگستان)
- ۷- دلم می خواست ببینم نینوا را / زیارت بکنم دوست خدا را
زیارت بکنم آن شاه مردان / علی شیر خدا باب حسین را (دشتستان)

۳-۱ تلمیحات دینی و مذهبی:

در لالایی‌های استان بوشهر تلمیحات فراوانی به وقایع مذهبی و دینی وجود دارد که مادران از طریق خواندن آن لالایی‌ها مفاهیم دینی را به کودکان خود تلقین می‌کنند. صبر حضرت ایوب، ناله‌های یعقوب، عشق یوسف و زلیخا، اذان گویی بلال، معراج پیامبر و آوردن براق (اسب) از جنت، وقایع کربلا، کودکی حضرت علی و دریدن دهان اژدها و کشتن آن در چهار ماهگی، فتح قلعه‌ی خیبر، پیدا شدن گل از عرق سینه محمد (ص) و ... از مواردی است که در لالایی‌های استان بوشهر به آن‌ها اشاره شده است:

- ۱- خداوندا به حق صبر ایوب / به حق ناله‌های زار یعقوب
به حق یوسف و عشق زلیخا / به هر که مطلبی دارد شفا کن (کنگان) (جزیره خارک)
- ۲- محمد مکه بید اومد مدینه / سر از یک جو نداره بغض و کینه
ملانک با سر راه محمد / همه دست ادب دارند به سینه (جزیره خارک)
- ۳- لالالا سر بند امیر چار گوشه‌ی پل / قدم گاه امیر به سمّ دلدل
عرق بر سینه‌ی صاف محمد / چکیده بر زمین پیدا شده گل (دیر)
- ۴- علی برگ گل گوهر گرفته / ستون از قلعه خیبر گرفته

علی که می‌کند کافر مسلمون / نگین از دست پیغمبر گرفته (دوراهک)

۵- علی در گهواره بی در چهارماهه / که گشتن ازدهایی در کنارش

علی دست مبارک بر کشیده / که حلق ازدها از هم دریده (دوراهک) (خورموج)

۴-۱- لالایی‌ها با مضمون مذهبی توجه به قرآن

یکی از آرزوهای مادر قرآن خوان شدن کودک است. در لالایی‌ها از خداوند می‌خواهد که کودکش به مرحله‌ی پیری برسد و خط قرآن نصیبت شود. او آرزو دارد پس از مرگش فرزند او بالای سرش قرآن بخواند. مادر به قرآن قسم می‌خورد تا دین محمد (ص) برقرار است، سر از سودای عشق فرزند بر ندارد. در لالایی دیگری خدا را به سینه پیران مظلوم و به آب دیده طفلان معصوم قسم می‌دهد که فرزندش به مکتب برود و قرآن بخواند. از کلام الله می‌خواهد زیارت‌ها نصیب فرزندش کند.

۱- مولالات می‌کنم تا تو بمونی / بیای بالای سرم قرآن بخونی (دیر) (دشتستان)

۳- مولالات می‌کنم تا تو خو واشی / به مکتب برسی قرآن بخونی

چه قرآنی که خطش بی شمارن / چه مولایی که تیغش ذوالفقارن (دیر) (بردخون)

(بندریگ)

۶- قد سروت الهی خم نگرده / دل شادت بدور غم نگرده

بحق مصطفی، سی جزء قرآن / که سایه ات از سر ما کم نگرده (دوراهک)

۷- مولالات می‌کنم تا تو گت آوی / به مکتب بری و قرآن خون آوی

(خورموج) (دشتستان)

۹- خداوندا تو پیرش کن / خط قرآن نصیبت کن

کلام الله تو پیرش کن / زیارت‌ها نصیبت کن (دشتستان) (بندریگ) (دیر)

۱۰- به قرآنی که ختمش بی شماره / به مولایی که تیغش ذوالفقاره

سر از بالین عشقت بر ندارم / تا که دین محمد (ص) بر قراره (دشتستان)

۲- بیان غنایی مادر در باز نمایی مسایل اجتماعی:

از مسایل اجتماعی که در لالایی‌های استان بوشهر می‌توان به آن توجه کرد، لالایی‌هایی با مضمون تعدد زوجات و ازدواج دوباره پدراست. در لالایی‌ها به دیگر اعضای خانواده از جمله دایی، برادر و خواهر نیز توجه می‌شود. در برخی از لالایی‌ها هم به دوری پدر، شغل و سفرهای او، هم به علاقه پدر به فرزند و حمایت او اشاره می‌شود. صفاتی که مادر در لالایی‌ها از پدر بچه ارائه می‌دهد، بیشتر صفت یک فرد دلاور و جنگجو است: پدری که به سفر، سربازی و اردو رفته و پشت سنگر سینه سپر کرده است. از این رو مادر لولوی صحرایی را از چنین پدری می‌ترساند که قرآن زیر سر و دو خنجر در کمر دارد.

۲-۱- تعدد زوجات:

«چند زنی نوع رایج در زمان قدیم و حال است. یکی از دلایل رواج این نوع ازدواج مقتضیات اقتصادی و فزونی عده زنان بر مردان بود. این رسم به ویژه در بین کشاورزان به شدت رواج داشت. زیرا از وجود زنان در امور کشاورزی استفاده می‌شد. در گرو-های دیگر اجتماعی به ویژه طبقات بالای جامعه علاوه بر تمتع از زنان متعدد هدف داشتن اولاد زیاد و تحکیم پایگاه اجتماعی بود.» (طیبی، ۱۳۵۲: ص ۱۹۱)

از ۶۱۲ لالایی استان بوشهر تعداد دوازده لالایی در مورد ازدواج دوباره‌ی پدر است. در برخی لالایی‌ها، مادر پدر را به خاطر این کار نادان و خودش را احمق می‌خواند. مادر آرام ندارد و پدر را نفرین می‌کند که خیر نبیند.

۱- لایی لایی گل زیره / بابات رفتن که زن گیره / آی دیت آروم نمی شینه

لالایی لایی گل زنبق / دیت نادون بوات احمق(دیر)

۲- لالا گل ریزه / بابات رفته زن بگیریه / دیش آروم نمی گیره / لالا عزیزم دلم

لالا(دیر)

۳- لالالالا گل زیره / بابات رفته زن بگیریه / دی ات از غصه می میره(خورموج)

۴- لالالالا گل زیره / بابات رفته / زن بگیریه / الاهی که خیر نبینه (کاکلی)

- ۵- لالالالا گل زیره / بواش رفته زن بگیریه / ننش آروم نمی گیره (دشتستان)
- ۶- لالالالا گل زیره / بوات رفته زن بگیریه / دیت آروم نمی گیره (تنگ ارم)
- ۷- لالا گل زیره باباش رفته زن بگیریه / دیت آروم نمی گیره لالالالالا (بندر ریگ)
- ۸- لالای لالای گل زیره / بابات رفته زن گیره / دیت غصه ی می میره (لالایی کنگان)
- ۹- لالالالا گل زیره بابات رفته زن بگیریه (آب پخش)
- ۱۰- لالا لالا گل پونه / بابات رفته زن بگیریه / زن انگالی بگیریه / سینه خلخالی بگیریه / که دیت آروم نمی گیره (آب پخش)
- ۱۱- لالالالا گل زیره / بابات رفته زنی گیره
- بابات رفته زنی گیره / ننه ت از غصه می میره (تنگستان)
- ۱۲- لالالالا گل خشخاش / بواش اومد زنش همراهش (دشتستان)

۲-۲- احساس مادر از سفرهای پدر:

از سی و شش لالایی استان بوشهر که در باره سفر رفتن پدر است، از روی لحن غنایی آن‌ها می‌توان به رابطه‌ی عاطفی مادر با کودک و پدرش پی برد. مادر از کودک می‌خواهد از دوری پدر بهانه گیر نشود. گاهی پدر برای جنگ با دشمن به سفر و اردو رفته و در سنگر سینه سپر کرده است. در یک لالایی هم به اسارت پدر و زنجیرهای بسته به پایش اشاره می‌شود. این لالایی‌ها دارای لحن بسیار عاطفی است: از محبت کردن پدر به فرزند می‌گوید که موهای فرزند را شانه کرده است، پدر به سفر رفته تا قند و دارچین بیاورد. به لب باغچه رفته تا برای کودک گل بچیند. مادر دعا می‌کند پدر از سفر تندرست باز گردد و آرزو می‌کند بدخواه او بمیرد.

- ۱- لالالالا گل خشخاش / بابات رفته خدا همراهش (دشتستان) (کاکای) (بندر ریگ) (دوراهک) (کنگان) (خورموج)
- ۲- لالالالا گل پونه / بابات رفته مگیر بونه (بندر دیر) (کاکای)
- ۳- کنم لالای تو تا ماه در آیه / که بابات سفر خیری بیایه (بندر دیر) (دشتستان) (بندر ریگ) (جزیره خارک) (تنگستان)

- ۴- لالالالا گل گردو / بوات رفته سر اردو (تنگ ارم) (بندر ریگ)
- ۵- لالالالا گل چایی / لولو از مو چه می خواهی / که این بچه پدر داره / دو خنجر در کمر داره (دیر) (دشتستان) (بندر ریگ) (گناوه)
- ۶- لالالالا گل پونه / بابات کرده موهاش شونه (کاکای)
- ۷- لالا گل انجیر / بابات داره به پاش زنجیر چو صد خروار / چشاش خوابه دلش بیدار (دشتستان)
- ۸- برو لوئو جهنم شو / بیا پیش مرگ بچم شو / که این بچه پدر داره / کلام الله خبر داره (دشتستان)
- ۹- بابات رفته به هل چینی / بیاره قند و دارچینی (دیر) (کاکای) (بندر ریگ)
- ۱۰- لالالالا گل شیرین زبونم ، لالا لی کُ ، لالا، آروم جونم ، بابات رفته به جنگ دشمن دین نگه دارش خدای مهربونم (دشتستان)
- گاهی ارزش وجود مادر در تقابل با پدر قرار می‌گیرد و وجود مادر بر پدر ترجیح داده می‌شود:
- سر کوه بلند مو گل فروشم / صدای مادرم آمد بگوشم
پدر خوب است که مادر بلکه بهتر / لالا عزیزم لالا / عزیزم لالا / رودم لالا / رود
جونیم لالا (بردخون)
- در برخی از لالایی‌ها بجز پدر از دیگر اعضای خانواده از جمله برادر (کاکا)، دایی (خالو) و عمو (عامو) نیز نام برده می‌شود. حسنلی بر این باور است که «از دریچه‌ی لالایی‌ها می‌توان به خانه‌ی دل مادران راه یافت و بخشی از اندیشه‌های درونی آن‌ها را بازشناخت. نزدیکی مادران ایرانی به خانواده‌ی خود، در سنجش با خانواده‌ی همسر در لالایی‌ها نیز به روشنی بازتابیده است.» (حسن لی، ۱۳۸۲: ص ۷۲)
- لالالالا گل نازی / خالوش رفته به سربازی (دشتستان)
- لالالالا گل پسته / کاکاش رفته به مدرسه / منه کرده خیلی خسته (دشتستان)
- لالالالا گل خشخاش / عاموش رفته خدا همراش (دشتستان)

لالالالا گل پونه / ککات آمد توی خونه (تنگستان)

لالالالا گل چایی / بابات رفته خونه‌ی دایی (دیر)

۲-۳- توجه به جنس دختر و پسر

عمرانی که لالایی‌های چند استان مختلف ایران را بررسی کرده است، بر این باور است که «جنسیت طفل در بیشتر لالایی‌ها نامشخص است و از او با عنوان عزیز من، طفل من، کودکم، گل من خطاب می‌کند که تشخیص جنسیت فرزند را مشکل می‌نماید ولی در بعضی لالایی‌ها با توجه به نامی که از فرزند برده می‌شود، لباس‌هایی که به تن او می‌پوشاند و در مواردی از روی مشاغل و حرفی که برایش آرزو می‌کند می‌توان حدس زد که طفل دختر بوده یا پسر» (عمرانی، ۱۳۸۱: ص ۴۲). در لالایی‌های استان بوشهر نیز کمتر به جنسیت کودک اشاره شده است. در لالایی با مضمون مذهبی مادر آرومند است کودکش کنیز (دختر) یا غلام (پسر) حضرت معصومه یا حضرت فاطمه باشد. به نظر نگارنده بیش تر در نازآواها است که مادر با توجه و نظر به جنسیت فرزندش او را ناز می‌کند. در پژوهشی دیگر می‌توان به نازآواهای مادران پرداخت.

۱- مولالات می‌کنم تا زنده باشی / غلام (کنیز) حضرت معصومه باشی

غلام حضرت معصومه ی قم / که تا روز ابد تو زنده باشی

(آب‌پخش) (خورموج) (جزیره خارک) (دیر) (دیلیم)

۲- درخت توت فاطمه دانه کرده / غم فاطمه مرا دیوانه کرده / عزیزم لالایی لالا

برین به مادر فاطمه بگوئید / که فاطمه شوهر بیگانه کرده / عزیزم لالایی لالا (جم)

۳- دختری دارم هی و له / نمی دمش به بار غله / عزیزم لالایی لالا

غله می خوام چش کنم / دخترم می خوام نازش کنم / عزیزم لالایی لالا (جم)

۴- لالالالا گل آلو / درخت سیب و زردآلو

که زردآلو بر آورده / کبا (قبا) رودم کم آورده لالالالا (تنگستان)

عمرانی در باره‌ی بیت دوم این لالایی که با لالایی استان فارس مشترک است، می‌نویسد: «از نوع لباس فرزند می‌توان گفت که طفل درون گهواره پسر می‌باشد و مادر برایش در خیال قبا می‌دوزد.» (عمرانی، ۱۳۸۱: ص ۹۰)

در نمونه‌های زیر مادر از داشتن فرزند دختر خرسند است. به نظر نگارنده نمونه‌های زیر بیش‌تر نازآوا هستند تا لالایی؛ زیرا در نازآواها است که مادر با توجه به جنسیت فرزند شعر می‌خواند تا او را ناز و نوازش کند:

- ۱- دختر گل الوندن / هم بادوم هم قندن / هم ریشه‌ی جگر بدن / هم مونس دل تنگن / برگیش پر قندن / تاجرا سرش جنگن (بردخون از توابع دیر)
- ۲- چرا بزایم پسری / نشینم پشت دری / عروس بگه: مزوری، جادوگری، حيله‌گری / چرا نزایم دختری / نشینم بر استری / جلو بکشه مهتری / همه بگن پس برین / پیش برین / مادر خانم اومده (کاکي)

۲-۴- بیان مسایل اقتصادی

با بررسی برخی لالایی‌ها می‌توان به اوضاع اقتصادی مردم استان بوشهر پی برد. عمرانی در مورد طرح مسایل اقتصادی در لالایی‌ها می‌نویسد: «روابط جنوب ایران و هندوستان در لالایی‌های متعددی می‌توان دنبال نمود. می‌توان اشاره به پدری داشت که برای کار به هندوستان رفته و حال مادر برای فرزند از او سوغات می‌خواهد. (عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۴) عمرانی لالایی زیر از کرمان را به عنوان نمونه ذکر می‌کند که جزو لالایی استان بوشهر هم هست:

«بابات رفته به هل چینی / اُورده قند و دارچینی»

بابات رفته به هل چینی / بیاره قند و دارچینی (دیر) (کاکي) (بندر ریگ)

نمونه‌های دیگر که به وضع اقتصادی کودک اشاره می‌شود:

۱- که دور مهتک گل، ماه، ستاره / همش پولن که هیچش جا نداره (تنگستان)

۲- بچه کوچیک مو رفت نی سواری / به پای نازکش بنشسته خاری

برین جراح هندوسون بیارین / با منکاش طلا خارش درآرین (تنگستان)

این لالایی جزو لالایی‌های استان فارس نیز هست.

۳- کنیز تو سیاه باشه / سر اندر پاش طلا باشه (تنگستان)

۴- صدای زنگل لالا ایایه / صدای میل پا طلا ایایه

صدای زنگل لالای رودم / مه چهارده و کوه بالا ایایه / لالالالالالالال (بندرریگ)

زنگل، حلقه ای است که تعدادی زنگوله کوچک از جنس نقره یا ورشو به آن آویزان است، حلقه را در پای کودکان تازه راه افتاده می‌کنند تا اگر از کنار مادر دور شود با صدای زنگ‌ها بدانند که به کجا رفته و بدین وسیله او را از خطرها حفظ کنند یا کودک تحت تأثیر صدای این زنگ‌ها تشویق شود و بیش تر قدم بردارد. (حمیدی، ۱۳۸۰: ۳۵۳)

۳- بیان حالات روحی مادر:

برخی لالایی‌های استان بوشهر بیانگر حالت‌های روحی مادر است. مادر در لالایی‌ها نگران آینده‌ی فرزند است و از او انتظار دارد که در پیروی عصای دستش باشد. آرزو دارد عمر طولانی فرزندش را ببیند. مادر از کودک می‌خواهد قدردان زحماتش باشد و به فکر او باشد. مادر وابستگی و محبت خود را به فرزندش ابراز می‌کند و از او می‌خواهد تا بی وفا نباشد. همان‌گونه که او پس از سال‌ها به فکر مادرش است و از او حلالیت می‌طلبد که به او شیر داده است. مادران استان بوشهر همانند دیگر مادران ایران به کمک لالایی‌ها و با استفاده از لحن غنایی و بیان احساسات، نظرات و خواسته‌های خود را نیز به ذهن کودک وارد می‌کند و در پی تعلیم و اجتماعی شدن فرزند خود هستند:

۳-۱- آرزوهای مادر

مادر آرزو دارد که هیچ‌گاه داغ فرزندش را نبیند. او آرزوی بزرگ شدن و به ثمر رسیدن کودک را دارد. فرزند بی‌بلا و تندرست بماند و عمر صد ساله کند و سالار سر مادر شود.

۱- مولالات ایکنم تا مه بشینه / الهی هیچ مادر داغ فرزندش نبینه
(گناوه) (دشتستان) (دیلم)

۲- مولالات می کنم تا بی بلا بو / نگهدار شب و روزت خدا بو (دشتستان)
(جزیره خارک)

۳- مولالات می کنم لالی خشت بو / بلا دور جمال مهوشت بو (دیر) (دشتستان)
(تنگستان)

۴- لالایت می کنم تا بد نبینی / نه تب کنی نه درد سر ببینی (کاکلی)

۵- گل باغ منی ، انشالله بمونی / که من بهر تو کردم باغبونی (کاکلی)

۶- لالالالاگلم باشی / نمیری دربرم باشی / تو سالار سرم باشی (گناوه)

۷- لالالالاگلم باشی / نمیری همدمم باشی (آبخش)

۸- مولالات کنم خوابت کنم مو / علی گویم که صد سالت کنم مو (جزیره خارک)

۹- ستاره ی آسمون نقش زمینه / خودم انگشتر و رودم نگینه

خداوندا نگه دار رود جونیم / که امید اول و آخر همینه (دشتستان)

همچنین مادر آرزو می کند که چشم بدخواه او و فرزندش کور گردد و دشمن
خانواده نابود شود:

۱- مولالات می کنم شو روز گردد / تا چشم دشمنم کور گردد (دیر)

۲- مولالات می کنم لالای همیشه / پلنگ از کوه بناله شیر ز بیشه

پلنگ از کوه بناله درد دندان / که تا دشمن بناله درد پنهن (دشتستان) (تنگستان)

۳- مولالات می کنم تا تو خو واشی / بمیره دشمنت تو زنده باشی (خورموج)

(تنگستان)

۴- مولالات کنم تا روز واوو / چشم دشمنم و بد خوات کور واوو (آب پخش)

۶- لالالات می کنم شالا خشت بات / تب و دردت نصیو دشمنت بات (تنگستان)

۲-۳- دل نگرانی‌ها و گله‌های مادر:

مادر از این که فرزندش او را فراموش کند، نگران است. مادر آرزومند است همان گونه که درخت تشنه قدر باران را می‌داند، کودکش نیز قدرردان زحماتش باشد، کودک بزرگ گردد تا همدم او شود:

۱- مو لالات ایکنم از دل و از جون / بیو قدرم بدون ای رود نارون (دیلم)

۲- لالالالا گلم باشی / عزیزم مونس باشی (خورموج)

۳- لالالالا گلم باشی / همیشه در برم باشی (کنگان) (آب‌پخش)

۴- لالالالا گلم باشی / نمیری همدم باشی (آب‌پخش)

۵- مو لالات می کنم خوابت نمی آد / بزرگت می کنم یادت نمی آد (دیر) (جزیره

خارک) (تنگ ارم) (دشتستان)

۶- مو لالات می گنم خوابت نبره / بزرگت می گنم یادت نبره (جم)

۷- لالا کن جان دل من / لالا کن ای بلبل من

لالا کن تا خوابت بیایه / بزرگ که شدی یادت بیایه (کنگان)

۸- مو لالات می کنم شاخ نباتم / ستم بر من مکن تا بر حیاتم

ستم بر من مکن از رود نادون / پشیمون می شوی بعد از وفاتم (دوراهک بردخون)

۹- لالایت می کنم در سن پیری / که بلکه گت بشی، دستم بگیری (کاکلی)

گاهی هم مادر از فرزندگله می‌کند که چرا آرام نمی‌گیرد. کودک نمی‌خوابد و باعث

قضا شدن نماز و روزه‌ی مادر شده است. او از گریه‌ی بچه خسته و بی‌خواب است. تا

آن جا که آرزو می‌کند کودک بخوابد و از سرش باز شود. در لالایی خراسان نیز سه

مورد لالایی است که مادر از دست بچه و ناآرامی او اظهار خستگی می‌کند. (میرنیا،

۱۳۶۹: ص ۴۷۶)

۱- لالالالا گل زیره / چرا خوابت نمی گیره / که مادر قربونت میره (دوراهک)

(آب‌پخش)

۲- مو لالایت کنم تا ماه در آیه / دو دستت گردنم چونم در آیه (تنگ ارم)

۳- مو لالات می‌کنم ای کبک مستم / میون کبک‌ها دل با تو بستم
همه کبک‌ها رفتند به صحرا / من بیچاره پا بست تو هستم (دوراهک بردخون)
۴- لالالا گلم باشی / همیشه همدمم باشی / بخوابی از سرم واشی / لالالا /
لالالا (دشتستان)

این لالایی جزو لالایی‌های استان خراسان نیز است. (میرنیا، همان، ۴۷۷)
۵- ستاره درمیو که ماه در اومد / صدای نال کفش دلبر اومد
نمی خوابی نمی زاری بخوابم / چه کار داری از احوال خرابم / دی لالالا / دی
لالالا (جزیره خارک)

۶- لالالا گل هرروزه‌ی مو / قضا کردی نماز و روزه‌ی مو / دی بچم لالالا (دیر)
لالایی بالا را در بین لالایی‌های استان فارس هم می‌توان دید. (رک. عمرانی، ۱۳۸۱: ۹۲)
۷- لالالا گل پسته / شدم از گریه ات خسته (دیر) (بندر ریگ) (گناوه)
مادر از شبی سخن می‌گوید که شب دراز هجران و دوری است؛ از شیدایی و
خستگی خود، از دل پر حسرت خود، از تنهایی، غربت و بی کسی خود می‌گوید و این
که طاقت دوری فرزندش را ندارد.

۱- شب هجران درازه مو چه سازم / که رودم خواب نازه مو چه سازم
تو بیدارش نکن مرغ سحر خوان / که رودم خواب نازه مو چه سازم (دشتستان)
۲- دگر شب شد که من شیدا بگردم / چو ماهی بر لب دریا بگردم (دشتستان)
۳- مو لالایت کنم تا ماه درآید / دل پر حسرتم از غم سرآید (دشتستان)
۴- سر راهت بشینم خسته خسته / گل ریحون بچینم دسه دسه
گل ریحون چنین بویی نداره / دل مو طاقت دوریت نداره (گناوه)
۵- مو لالات ایکنم لالای همیشه / پلنگ در کوه بناله ، شیرز بیشه
پلنگ در کوه و آهو در بیابون / همه جفتن و مو تینا بگردم (دیلیم)
۶- خدا کرده که مو دور از تو باشم / ز غم باریکتر از موی تو باشم (تنگ ارم)
۷- سحر خوابم که چشمم پر ز آبه / فراق دوریت حالم خرابه (تنگ ارم)

۸- سر راهت نشینم تا بیایی / موقربونت کنم هر چی بخواهی (تنگ ارم)
خواندن لالایی بهانه‌ای است تا مادر از غم غربت و بی‌کسی خود بگوید و از
بخت بد و روزگار خود گله و شکایت کند:

- ۱- نویسم نامه‌ای با برگ گندم / غریب و غربتم در شهر مردم
به حق ماه و خورشید و ستاره / امیدوارم که برگردم دوباره (جزیره خارک)
- ۲- نویسم نامه‌ای با برگ زیره / دی مو غریب و غربتم در این جزیره (جزیره خارک)
- ۳- سر کوه بلند دیگی به باره / برنج جوش ایخره دل بی قراره
برنج جوش ایخره با شیر میشون / خوم از یارم بریدن قوم و خیشون (دیلم)
- ۴- لالالالا کبوتر بچه بودم، مادرم مرد / مرا بر دایه دادن، دایه هم مُرد
مرا با شیر گاو آمخته کردن / ز بخت بدم گوساله هم مرد (بندر دیر) (دشتستان)
- ۵- سر کوی بلند تختم طلا بی / تنم ابریشم و بختم سیاه بی (آب‌پخش)
- ۶- چو پلنگی تیر خورده / چو شیری با دم زنجیر نالم
به شب نالم به شب شبگیر نالم / گهی از بخت بی تقدیر نالم (کنگان)

۳-۳- توصیفات کودک و خطاب‌ها

مادر کودک را با کلمات بیشتر مهرآمیز مورد خطاب قرار می‌دهد که نشان دهنده‌ی دیدگاه‌های مادر نسبت به فرزندش است: رود جونی زور زونی (زانو)، رود نادون، طفل نادون، طفل نالان، شیرهی جون، ریشه جون، ماه تابون، پره (پاره) جون، جره باز، بلبل، میوه گلستان، شیرین زبونم، گل باغ، ناز، کبک مست، سیاهدونه استعاره از فرزند نمکین، مهپاره استعاره از فرزند زیبا، شاخ نباتم، مایه‌ی اعتبار، وجان و دل، چشم بینای من، بهار و عیش دنیای من، گل بی باغبون، گل باغ خودم، عزیز بی نشون، درد و درمون درد، مه پاره و...

مادر در لالایی‌های خود، کودک را بسیار زیبا توصیف می‌کند و بیشتر این توصیفات لحن غنایی دارند: از لب‌های کودک شکر می‌بارد و بوی گل می‌دهد، حتی شکر هند و چای حیدرآباد پیش لب‌های کودکش خجالت می‌کشد، کودک از گل هم زیباتر است و ...

- ۱- مو لالات ایکنم از دل و از جون / مو لالات ایکنم ای رود نادون (گناوه) (بنک کنگان) (دشتستان)
- ۲- مو لالات می کنم ای رود نادون / مو لالات می کنم ای شیرۀ جون (دشتستان) (گناوه)
- ۳- مو لالات می کنم ای ناز ای ناز / که رودم بلبله هم جوهری باز (تنگستان) زنده بودی هم جوهره را به معنی همال، کسی که در زور و توانایی برابر دیگری است و می‌تواند چاره کار او را بسازد، گرفته است. (زنده بودی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)
- ۴- مو لالات می کنم شاخ نباتم / ستم بر من مکن تا بر حیاتم (دوراهک)
- ۵- لالا لالا ای ماه تابون / که کوچه خلوت و محله بیابون (کاکلی)
- ۶- لالا لالای رودم / شکر می باره از لب‌های رودم شکر شیرین و شوری نداره / دل مو طاقت دوری نداره (دشتستان)
- ۷- مو لالایت کنم ای رود جونی / مو لالایت کنم ای زور زونی / دی لالا دی لالا (گناوه)
- ۸- لالا گل نازم ز غم‌های تو بیمارم / تو را دارم، چه غم دارم، هزارشکرش بجا آرم (گناوه)
- ۹- لالا گل سوسن سرت بردار لب بوسم / لب بوسم که بوداره که با گل گفتگوداره (گناوه)
- ۱۰- سرت گردم دو برکت داره سایه / شکر کنج لبونت داره مایه شکر در هند و چای حیدر آباد / خجالت پیش لب‌های تو داره (بندر ديلم)
- ۱۱- تو گل بودی به گلزار اومدی رود / شکر بودی به بازار اومدی رود (بردخون)
- ۱۲- اَلت بکنم که از چیشم پیشتری / جامت بشورم که از برگ گل شوختری (جم)
- ۱۳- عزیزم چشم بینای منی تو / بهار و عیش دنیای منی تو هر آنکس چشم بینایی نداره / بهار و عیش دنیایی نداره (ديلم)

۱۱- لالا گل نازم ز غم های تو بیمارم / تو را دارم، چه غم دارم، هزارشکرش
بجا آرم (گناوه)

در برخی لالایی ها مادر کودکش را به بلبل، جره‌ی باز و کبک تشبیه می‌کند.

۱- مولالات می‌کنم شب‌های زمستون / که رودم بلبلن میوه گلستون

که رودم زنده باشد گل بچیند / گل باغ من ان‌شا... بماند (بردخون)

۲- مولالات می‌کنم ای ناز ای ناز / به دست آورده ام یک جره‌ی باز

خداوندا جره‌ی بازم نگه دار / امید روزگارم جره‌ی باز (دیر) (آب‌پخش) (بخش

بوشکان دشتستان)

۳- مولالات می‌کنم ای کبک مستم / میون کبک‌ها دل با تو بستم

همه کبک‌ها رفتند به صحرا / من بیچاره پا بست تو هستم (دوراهک) (آب‌پخش)

(تنگستان)

نتیجه:

لالایی‌ها سروده‌هایی برخاسته از دل مادرانی است که به دل و جان فرزند
دلبندها می‌نشینند. این خواب آواها و مهرسروده‌ها با بیان غنایی و در قالب شعر
بازتاب افکار، احساسات و آرزوهای مادران است. با بررسی ۶۱۲ لالایی استان بوشهر
مضمون‌های زیر از آن‌ها به دست آمد:

در لالایی‌های استان بوشهر مضامین مذهبی بیشترین نمود را دارد که نشانگر هویت
دینی و مذهبی مادران و مردم این استان و تلاش آنان در تعلیم دادن مضمون‌های
مذهبی زیر از طریق خواندن لالایی‌ها است:

صفات خداوند و ستایش او، اهمیت نماز و روزه، حضرت محمد (ص) و معراج
ایشان، در مورد امیرالمؤمنین، علی (ع) و فتح خیبر، شهادت امام حسین (ع) و یارانش در
واقعه‌ی کربلا، تلمیحات دینی و مذهبی و مضمون مذهبی توجه به قرآن.

از مسایل اجتماعی که در لالایی‌های استان بوشهر می‌توان به آن توجه کرد، لالایی‌هایی با مضمون تعدد زوجات و ازدواج دوباره پدر است. (تعداد ۱۲ لالایی) در این لالایی‌ها مادر ناراحتی و نارضایتی خود را از ازدواج مجدد پدر ابراز می‌کند. از سی و هشت لالایی استان بوشهر که در باره سفر رفتن پدر است، می‌توان به رابطه عاطفی پدر با کودک و مادر پی برد. برخی لالایی‌ها نیز ابراز شادمانی مادر از بازگشت پدر به خانه است.

در لالایی‌های استان بوشهر با توجه به کل لالایی‌ها کمتر به جنسیت کودک اشاره شده است. (۹ لالایی)

اشاره به چیزهای بارز طبیعت مانند: گل‌ها و گیاهان، ماه، ستاره، خورشید، کوه و حیوانات از جمله مضامینی است که در لالایی‌های استان بوشهر دیده می‌شود. (در کل ۱۵۷ لالایی) از این تعداد، نام گل‌ها و گیاهان (۷۴ لالایی)، فصل‌های سال (۱۲ لالایی)، نام حیوانات، (۲۶ لالایی)، کوه، ماه، خورشید و ستاره (۲۹ لالایی) مادر در لالایی‌ها حالات روحی خود را بیان می‌کند. (۸۳ لالایی) شامل: بیان تنهایی و دوری مادر از فرزند و ابراز علاقه به او (۵۱ لالایی) مادر کودک را با کلمات بیشتر مهرآمیز خطاب می‌کند که نشان دهنده دیدگاه‌های احساسی مادر نسبت به فرزندش است. (۳۲ لالایی)

لالایی‌های استان نیز مانند دیگر لالایی‌های ایران بیانگر آرزو و آرمان‌های مادر است. (۸۸ لالایی) شامل مضمون‌های: آرزوی ندیدن داغ فرزند و سلامتی او (۶۲ لالایی) آرزوی وضع اقتصادی خوب (۸ لالایی) آرزوی نابودی دشمنان خانواده (۱۸ لالایی) دل‌نگرانی‌ها و گله‌های مادر نیز مضمون تعدادی از لالایی‌ها است. (در کل ۵۱ لالایی) شامل: نگرانی از قدرشناسی فرزند (۲۵ لالایی)، گله مادر از غم غربت (۴ لالایی)، گله مادر از بخت بد و روزگار خود (۵ لالایی) و گله مادر از ناآرامی فرزند (۱۷ لالایی)

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۷۴)، حقیقت و زیبایی، تهران: نشر مرکز
- ۲- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۰)، سنگستان، شیراز: نوید شیراز
- ۳- انصاری، کوروش، (۱۳۸۵)، فرهنگ و ادبیات عامیانه مردم دشتستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر
- ۴- پاینده، حسین، (۱۳۸۲)، گفتمان نقد، تهران: روزنگار
- ۵- پورنعمت، منیژه، (۱۳۷۹)، لالایی در استان بوشهر، فصل‌نامه پژوهشی، فرهنگی و هنری آبی‌ها، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، شماره دوم و سوم
- ۶- حسن‌لی، کاووس، (۱۳۸۲)، «لالایی‌های مخملین، نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایران»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، پاییز و زمستان
- ۷- حمیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۰)، فرهنگ‌نامه بوشهر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات
- ۸- زارعی و دیگران (۱۳۸۴)، علی، لالایی‌ها، بوشهر: نهضت سوادآموزی
- ۹- زنده‌بودی، حسین، (۱۳۸۳)، فرهنگ، ادب و گویش تنگسیری، بوشهر: انتشارات بوشهر
- ۱۰- رضایی، عبدالله، (۱۳۸۱)، ادبیات عامیانه بوشهر، بوشهر: شروع
- ۱۱- رهادوست، بهار، (۱۳۸۲)، «رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی»، زیبا شناخت، ش نهم
- ۱۲- طبیبی، حشمت‌الله، (۱۳۵۲)، مبادی و اصول جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة
- ۱۳- عمرانی، سید ابراهیم، (۱۳۸۱)، لالایی‌های ایران، تهران: پیوند نو
- ۱۴- کوئن، بروس، (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناختی، ترجمه غلام‌عباس توسلی - رضا فاضل، تهران: سمت
- ۱۵- میرنیا، سید علی، (۱۳۶۹)، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، نشر پارسا
- ۱۶- ندیمی بوشهری (۱۳۸۹)، زهرا، لالایی‌های بوشهری، ناشر مؤلف